

# خرید لباس




 Espen Stranger-Johannessen

 Sara Sahar Haidari

 Sam Saf

 3

 فارسی

پیراهن علی کهنه است. اون به پیراهن نو احتیج داره.



اون به مرکز خرید میره تا دنبال لباس هی نو بگرده.

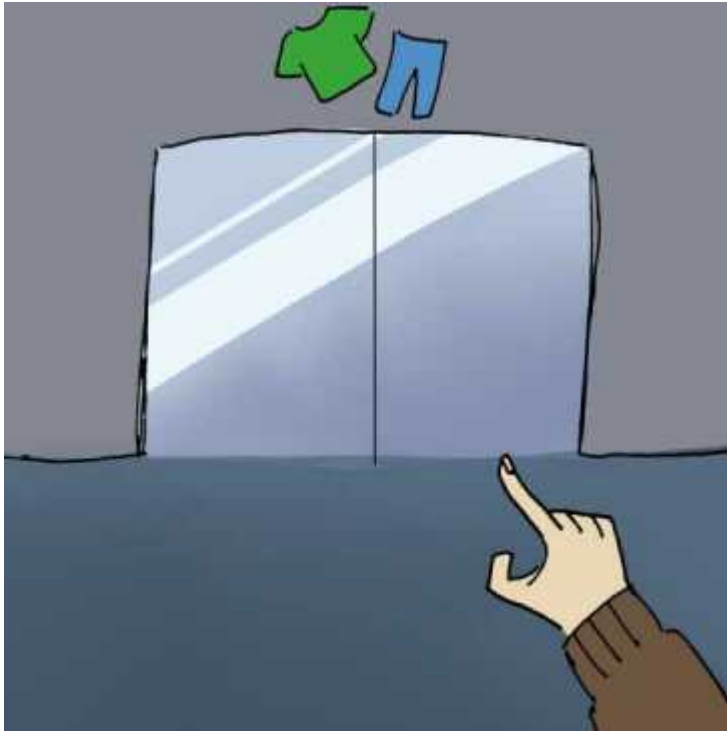


در مرکز خرید او نمی‌تونه فروشگاه لباس رو پیدا کنه.





او به مغزه ای میره لا مسیر رو بیرسه. می پرسه. «از کج میتونم لابس  
بخرم؟»



مغزه دار به سمت ديگه مركز خريد انتره ميكنه. مغزه لابس در طرف مقابل  
است!



علی می ره تو و دنبل پیراهن می گرده. پیراهن ه برای اون خیلی بزرگ  
هستند و خیلی هم گرون هستند.



بخش اون، یه شلوار نو می خره چون تخفیف خورده. اون تصمیم می  
گیره که ده آینده وقتی حقوقش گرفت، پیراهن بخره.



## LIDA Stories

[lidastories.net](http://lidastories.net)

خرید لباس

-  Espen Stranger-Johannessen
-  Sara Sahar Haidari
-  Sam Saf

